



یکی از بحث‌هایی که این روزها مطرح است ضرورت تلاش در جهت تألیف کتاب در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه کتاب‌های درسی است. این تأکید بر تألیف تا اندازه‌ای به مورد نیز هست. چون هر چند موضوع‌های علمی به‌ویژه علوم پایه دارای قانون‌ها و اصول اساسی یکسانند که می‌توان آن‌ها را به تمام موارد تعمیم داد اما، وقتی پای کاربرد این علوم به‌میان می‌آید، فرهنگ هر جامعه نقش مهمی را ایفا می‌کند و بدون توجه به آن نمی‌توان کتابی تدوین کرد که از تمام جنبه‌ها قابل استفاده باشد. بنابراین، در این موارد در ترجمه کتاب هر چند دقیق و با رعایت امانت، شاید مثال‌ها و کاربردهایی وجود داشته باشد که برای مخاطب چندان قابل درک و استفاده نیست.

با این همه، در تألیف کتاب نیز باید نکته‌هایی مورد نظر قرار گیرد که متأسفانه اغلب رعایت نمی‌شود. کسانی که اقدام به تألیف کتاب یا مقاله می‌کنند باید در زمینه مورد بحث دارای تخصص، تجربه، و آگاهی باشند و در تدوین آن علاوه بر بهره‌گیری از کارهای دیگران از مطالبی استفاده کنند که حاصل تجربه خودشان نیز باشد. با این همه، این شرط در اغلب موارد وجود ندارد، و تألیف چیزی جز گردآوری مطالب از منابع مختلف و کنار هم گذاشتن آن‌ها نیست که اغلب به صورت ناهماهنگ هم انجام می‌شود.

شاید تجربه خود من به عنوان کسی که سال‌ها در این کشور تحصیل و تدریس کرده‌ام به روشن شدن مطلب کمک کند. در دوران تحصیل در دبیرستان از کتاب‌هایی استفاده می‌کردیم که دبیران علاقه‌مند و با تجربه تألیف کرده بودند. مطالب این کتاب‌ها در حد خود بسیار روشن و روان بود. روش تدریس دبیر فیزیک، نیز به‌گونه‌ای بود که مرا به ادامه تحصیل در این رشته علاقه‌مند کرد. در دوران دانشجویی استادان اغلب جزوه‌هایی داشتند که چندان واضح و منسجم نبود. البته، تعدادی کتاب تألیفی هم وجود داشت که با این جزوه‌ها تفاوت چندان نداشتند. بعدها متوجه شدم که این کتاب‌های تألیفی نیز بخشی از یک کتاب خارجی بودند که با حذف قسمت‌های مقدماتی تدوین شده بودند و دانشجو را حیرت زده می‌کردند که این فرمول‌های ریاضی از کجا آمده‌اند.

بعدها که در زمان انقلاب فرهنگی مدتی دانشگاه‌ها تعطیل بودند و تعدادی از استادان به ترجمه دقیق و روان کتاب‌های درسی خارجی پرداختند و این نوع کتاب‌ها در اختیار دانشجویان قرار گرفت، متوجه شدم که خواندن این کتاب‌ها که با شروع از مقدمات و تشریح اصول اساسی کار خود را آغاز کرده‌اند چقدر می‌تواند به فهم مطلب و قابل استفاده شدن مطالب درسی کمک کند.

اکنون خوشبختانه کتاب‌های درسی خوبی در تمام زمینه‌ها ترجمه شده‌اند و در اختیار شاگردان قرار دارند. اما این موضوع به هیچ‌وجه لزوم کتاب‌های متناسب با فرهنگ جامعه را منتفی نمی‌سازد. با این همه، برای در اختیار داشتن کتاب‌ها و مقاله‌های تألیفی خوب و مناسب در تمام سطوح، باید ابتدا فرهنگ خوب نوشتن را هرچه بیشتر ترویج کنیم. تأکید بر نوشتن درست، روشن و روان باید از همان مقاطع اولیه آموزشی به شاگردان آموزش داده شود، تا آن‌ها بتوانند در هر سطحی که هستند، گزارش کارهای خود را به‌خوبی بنویسند. همین‌طور، شاگردان دوره‌های تحصیلات تکمیلی و مؤلفان کتاب‌های مختلف توجه داشته باشند که کار تدوین پایان‌نامه یا تألیف کتاب، گرفتن مطلب از کتاب‌های مختلف و کنار هم گذاشتن آن‌ها در کنار هم به صورت نامنظم و بدون توجه به ارتباط آن‌ها

با یکدیگر نیست. برای تألیف یا مقاله خوب، آگاهی کامل از موضوع مورد بحث و تسلط دقیق بر آن ضروری است. علاوه بر آن باید در نوشتن مطالب توجه داشته باشیم که زبان فارسی یکی از غنی‌ترین و زیباترین زبان‌هاست و ادبیات آن همواره مورد تحسین جهانیان بوده است. حفظ حرمت این گنجینه گرانبها و استفاده مناسب از آن یکی وظیفه‌های اصلی هر کسی است که اقدام به نوشتن مطلب در هر زمینه‌ای می‌کند.

امروزه، خواندن کتاب‌ها و مقاله‌هایی که با خواندن آن‌ها نمی‌توان فهمید که منظور و هدف نویسنده از نوشتن آن‌ها چه بوده است، باید توجه مسئولان آموزش کشور را به اهمیت درست نوشتن جلب کرده و آن‌ها را به این فکر بیندازد تا در تدوین برنامه‌های آموزشی جایگاه مهم‌تری را برای به‌وجود آوردن این نوع مهارت در شاگردان در نظر بگیرند.

تألیف یا ترجمه

